

تاثیر نامتقارن ادوار تجاری بر اشتغال زنان¹

راضیه داوری کیش

دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا همدان، r.davarikish@gmail.com

نادر مهرگان*

استاد اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا همدان، mehregannader@yahoo.com

داود جعفری سرشت

استادیار گروه اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا همدان، d.jafariseresht@basu.ac.ir

تاریخ دریافت: 1400/01/24 تاریخ پذیرش: 1400/05/16

چکیده

اشتغال زنان یکی از موضوعات مهمی است که مورد توجه دولتمردان قرار گرفته است زیرا بیکاری این قشر از افراد جامعه یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی-اجتماعی به شمار می‌رود که می‌تواند آثار مخربی بر رشد اقتصادی کشورها بگذارد. ادوار تجاری از عواملی است که باعث ایجاد تغییراتی در جایگاه اشتغال زنان شده و در هنگام بروز رکود و رونق سهم اشتغال زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، پژوهش حاضر با استفاده از روش NARDL اثرات نامتقارن ادوار تجاری بر سهم اشتغال زنان ایران طی دوره زمانی 1397-1345 را مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج بیانگر این است که یک شوک مثبت یا منفی در ادوار تجاری، اثرات نامتقارنی بر سهم اشتغال زنان به جا می‌گذارد. همچنین نتایج نشان داد، در کوتاه‌مدت، شوک مثبت ادوار تجاری، اثر منفی و معنادار؛ و شوک منفی ادوار تجاری، اثر مثبت و معنادار بر سهم اشتغال زنان دارد و در بلندمدت نیز این اثر پابرجاست. سایر نتایج تخمین نشان می‌دهد، در کوتاه‌مدت و بلندمدت، متغیرهای نرخ باروری اثر منفی و معنادار بر سهم اشتغال زنان می‌گذارد اما اثر معنادار متغیرهای هزینه‌های دولت در بخش آموزش و نرخ تورم بر سهم اشتغال زنان در کوتاه‌مدت و بلندمدت و بلندمدت رد می‌شود. همچنین متغیر حداقل دستمزد نیز در کوتاه‌مدت و بلندمدت اثر مثبت و معنادار بر سهم اشتغال زنان می‌گذارد.

واژگان کلیدی: ادوار تجاری، اشتغال زنان، اثر نامتقارن، ایران.

طبقه‌بندی JEL: F02, F13, F12, F20, A20.

¹ این مقاله برگرفته از رساله مقطع دکتری نویسنده اول در دانشگاه بوعلی سینا همدان است.

* نویسنده مسئول مکاتبات

1. مقدمه

اشتغال زنان یکی از موضوعات مهمی است که مورد توجه سیاست‌گذاران و دولت‌مردان یک کشور می‌باشد و بیکاری این قشر از افراد جامعه می‌تواند از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و روانی تاثیرات فاجعه‌باری بر اقتصاد کشور بگذارد و آثار مخربی بر توسعه و رشد اقتصادی کشورها داشته باشد. بنابراین، در همه جوامع نیروی کار زن از مهمترین عوامل تولید به شمار می‌رود و درآمد حاصل از آن همواره بخش بزرگی از درآمد ملی هر کشور را تشکیل می‌دهد. نظر به این که جوامع مختلف در زمان رشد سریع اقتصادی به نیروی کار زن نیاز دارند و زنان نیز نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، لذا جمعیت زن باید بخشی از نیروی کار مورد نیاز جامعه را تأمین نماید. بدون تردید نیروی کار زن در توسعه اقتصادی کشورها نقش مهمی دارد و حضور زنان در بازار کار بر حسب اوضاع محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر کشور متفاوت بوده و به عوامل گوناگونی از جمله سطح تحصیلات زنان، سیاست‌های دولت در جهت تقویت سطح آموزش و اشتغال زنان، توزیع درآمد و هزینه خانوار، نرخ بیکاری، نرخ باروری، شرایط محیطی خانواده و سایر عوامل فرهنگی و اجتماعی بستگی دارد. از آنجا که سطح تحصیلات زنان در سال‌های اخیر افزایش چشمگیری داشته است، هنوز نتوانسته‌اند از آموزه‌های خود در بخش‌های اقتصادی به کار بگیرند و شرایط برای اشتغال آنان در این بخش‌ها فراهم نشده است و زمانی که بیکاری زنان برای مدت طولانی ارقام بالایی را تجربه می‌کند، در این صورت جامعه حتماً با مشکل اساسی و ساختاری روبه‌روست و باید به بررسی علل آن و رفع این مشکل اقدام نمود. در این میان ادوار تجاری و نوسانات ناشی از آن از عواملی است که باعث شده همواره تغییراتی در جایگاه‌اش ایجاد شود و در هنگام ظهور رکود و رونق، سهم اشتغال زنان تحت تاثیر قرار گیرد (یوسف‌زای¹، 2014؛ رضوی و نشاط²، 2009). در حقیقت نیروی کار زن در مواجهه با ادوار تجاری عکس‌العمل متفاوتی خواهد داشت، چرا که تولیدکنندگان در دوران رونق همواره نیروی کاری را استخدام می‌کنند که بهره‌وری بالایی داشته باشد و حداکثر سود را با نیروی کار جوان و تحصیل کرده به دست بیاورد اما در دوران رکود، زنان خود را با شرایط اقتصادی و رکود به وجود آمده وفق می‌دهند و انتظارات خود را از دریافت حداکثر دستمزد متناسب با توانایی خود پایین می‌آورند. در

¹ Yousafzai² Rizvi and Nishat

عین حال، آنچه مهم است مقایسه دستمزد دریافتی نیروی کار مختلف است که بستگی به دستمزد دریافتی آنها با حداکثر کار انجام شده دارد و تقاضای نیروی کار است که بر عرضه نیروی کار برتری دارد. لذا در دوران رونق و اوج به دلیل عوامل کلیشه‌ای تفکیک جنسیتی و تعریف وظایف نامرتب در خانواده که مانع ارتقای بهره‌وری زنان می‌شود، اشتغال نیروی کار زن کاهش می‌یابد. در دوران رکود و نقطه حوضیض هم به دلیل حداقل دستمزد، امکان افزایش و حتی افزایش فرصت‌های شغلی جدید برای این قشر از افراد جامعه وجود دارد (آلبانسی و ساهین¹، 2018). همچنین اگر در کوتاه‌مدت چسبندگی دستمزد وجود داشته باشد، شوک منفی منجر به استخدام نیروی کار زن می‌شود. برای شوک مثبت نیز اگر شوک مانع استخدام نیروی کار زن شود اثر منفی آن نیز در بلندمدت دیده می‌شود و در بلندمدت نیز این اثر می‌تواند پا برجا باشد. لذا چگونگی اثرگذاری نامتقارن ادوار تجاری بر سهم اشتغال زنان ایران از مهم‌ترین مسائل قابل طرح می‌باشد و اکنون این سوالات مطرح می‌شود که آیا ادوار تجاری اثر مثبت بر سهم اشتغال زنان دارد؟ آیا نوسانات ادوار تجاری، سهم اشتغال زنان را تحت تاثیر قرار می‌دهد؟ بر این اساس هدف مطالعه حاضر بررسی سازوکار اثرگذاری نامتقارن ادوار تجاری بر سهم اشتغال زنان ایران طی دوره زمانی 1345 تا 1397 است. از آنجا که مطالعات تاکید دارند، ادوار تجاری از عوامل بسترساز افزایش اشتغال زنان است و ارتباط غیرخطی بین سهم اشتغال زنان و ادوار تجاری غیرمحمتمل نمی‌باشد، لذا مطالعه حاضر بر آن است تا با استفاده از روش NARDL به بررسی این موضوع در قالب دو فرضیه زیر بپردازد:

- ادوار تجاری اثر معنادار و نامتقارنی بر سهم اشتغال زنان در بلندمدت دارد.
 - ادوار تجاری اثر معنادار و نامتقارنی بر سهم اشتغال زنان در کوتاه‌مدت دارد.
- بررسی مطالعات داخلی حاکی از عدم بررسی این موضوع در مطالعات داخلی است و مطالعاتی هم که به بررسی ارتباط سهم اشتغال زنان و ادوار تجاری پرداخته‌اند، این موضوع را به صورت خطی بررسی کرده‌اند. در این میان، تعداد انگشت‌شماری مطالعه داخلی وجود دارد که به غیرخطی بودن ارتباط این دو اذعان داشته‌اند. در راستای نیل به این هدف، ساختار مطالعه حاضر به این صورت است که: در بخش دوم مبانی نظری ارائه شده است. در بخش سوم پیشینه تحقیق آورده شده است. بخش‌های چهارم و پنجم، روش تحقیق

¹ Albanesi and Şahin

و یافته‌های آن را ارائه کرده است. در نهایت بخش پایانی به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد‌های سیاستی اختصاص یافته است.

2. ادبیات موضوع

در طی چند دهه گذشته نقش زنان در اکثر کشورهای جهان اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه تغییرات چشمگیری داشته است. با توجه به برابری تقریباً کامل مردان و زنان در برخورداری از امکان تحصیل و کاهش نرخ باروری شرایط بسیار مساعدتری برای افزایش سرمایه انسانی زنان فراهم شده است. افزایش مشارکت زنان، بررسی شرایط بازار کار ایران را مورد توجه قرار داده است که از مهم‌ترین عوامل موثر بر بازار کار می‌توان به ظهور ادوار تجاری اشاره نمود. منشا ظهور ادوار تجاری از نظر مکاتب اقتصادی متفاوت است و می‌تواند انگیزه افراد و بنگاه‌ها را در عرضه و تقاضای نیروی کار به صورت نامتقارن تحت تاثیر قرار دهد. از جمله عواملی که می‌تواند تقاضای نیروی کار به صورت نامتقارن را تحت تاثیر قرار بدهد و نشأت گرفته از ادوار تجاری باشد، می‌توان به دستمزد، شاخص قیمت محصولات بنگاه‌ها، افزایش موجودی سرمایه، بهره‌وری نیروی کار و تغییر تکنولوژی تولید اشاره نمود. عواملی نظیر: قیمت‌های انتظاری، تغییر فرهنگ کار در مردم و تغییر ترجیحات آنها به کار و فراغت و افزایش جمعیت نیز بر عرضه نیروی کار تاثیر می‌گذارند (پلگرینی^۱، 2013؛ شاکری^۲، 1389؛ رحمانی^۳، 1389). مینسر^۴ (1991) و شیمر^۵ (1998) بر این باورند که هنگام ظهور ادوار تجاری ترکیبات سنی، آموزشی و ترکیبات بخش‌های اقتصادی در اشتغال از عواملی هستند که بر سهم اشتغال زنان تاثیر می‌گذارند (آلبانسی و ساهین، 2017؛ آلبانسی و ساهین، 2013). بنابراین شناخت منشا ظهور ادوار تجاری و تاثیر آن بر عرضه و تقاضای نیروی کار، می‌تواند درک مناسب‌تری از ارتباط نامتقارن موجود بین متغیرهای کلان اقتصادی، نظیر اشتغال زنان ارائه دهد. اثر نامتقارن ادوار تجاری منجر می‌شود اشتغال زنان نسبت به شوک‌های مثبت و منفی ناشی از ادوار تجاری واکنش یکسانی نداشته باشند؛ مثلاً در مورد اشتغال زنان شوک‌های بد غیرمنتظره نوسانات را بشدت تغییر می‌دهند در حالی که شوک‌های مثبت؛ نوسانات را به کندی تغییر می‌دهند (وربک، 2005). با مروری بر ادبیات اقتصادی ادوار تجاری و تاثیر نامتقارن آن می‌توان

¹ Pellegrini

² Shakeri (2010)

³ Rahmani (2010)

⁴ Mincer

⁵ Shimer

دریافت که این موضوع در بین مباحث اقتصادی می‌تواند درک صحیحی از وضع اقتصاد کشور را تداعی نماید و با نوساناتش می‌تواند متغیرهای کلیدی اقتصاد را به صورت نامتقارن متأثر نماید. متغیرهای عمده اقتصاد کلان، نظیر اشتغال زنان نیز همانند ادوار تجاری نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه‌یافتگی کشورها دارد (آلبانیسی¹، 2019؛ یوسف-زای، 2014؛ رضوی و نشاط، 2009)، لذا توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را به تاثیر نامتقارن ادوار تجاری می‌طلبد تا در جهت ایجاد فرصت‌های شغلی جدید زنان گام بردارند. با توجه به جایگاه اشتغال زنان در بهبود اوضاع و شرایط اقتصادی باثبات، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان باید به بررسی عوامل موثر بر آن بپردازند، همچنین با توجه به اینکه مطالعات جامعی در این خصوص صورت نگرفته است. لذا این پژوهش در نظر دارد، به بررسی اثرات نامتقارن ادوار تجاری بر سهم اشتغال زنان بپردازد. تمامی اقتصادهای مدرن، نوسان‌های قابل توجهی در فعالیت‌های اقتصادی در طول دوره‌های مختلف، تجربه می‌کنند. زمانی که اغلب صنایع زیر ظرفیت تولیدی خود کار می‌کنند رکود رخ داده و نرخ اشتغال تحت تاثیر و کاهش می‌یابد. در برخی دوره‌ها نیز صنایع رونق داشته و اشتغال در سطح بالایی است. برنز و میچل² (۱۹۴۶)، بر این معتقدند که در طول ادوار تجاری بسیاری از شاخص‌های اقتصادی، باهم، هم‌حرکتی داشته‌اند. در طول دوره رونق نه تنها تولید افزایش می‌یابد، بلکه اشتغال نیز افزایش می‌یابد. در مقابل در دوره رکود، تولید کاهش یافته، اشتغال نیز کاهش می‌یابد. بنابراین یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین ویژگی‌های ادوار تجاری رونق و رکود، کاهش و افزایش اشتغال است، اما اشتغال زنان با تاثیر از حداقل دستمزد و بهره‌وری آنان در زمان رکود و رونق می‌تواند عکس‌العمل‌های مختلفی در زمان ادوار تجاری از خود نشان دهد. به عبارتی در زمان رکود اقتصادی و با اعمال حداقل دستمزد از جانب بنگاه‌ها، زنان با دستمزد پایین تمایل به عرضه نیروی کار هستند و مردان متقاضی کاری هستند که دستمزد بالاتری را دریافت کنند و از آنجا که کشور در شرایط رکود اقتصادی قرار دارد، بنابراین در زمان رکود اقتصادی زنان بیشتر در بازار کار حضور دارند. در زمان رونق اقتصادی نیز اشتغال زنان تحت تاثیر عوامل کلیشه‌ای تفکیک جنسیت و تعریف وظایف نامرتب در خانواده است که مانع ارتقای بهره‌وری زنان می‌شود. لذا بنگاه‌ها نیروی کاری

¹ Albanesi

² Burns & Mitchell

را استخدام می‌نمایند که دستمزد دریافتی هم سطح با بهره‌وری آنان باشد. لذا در زمان رونق اقتصادی به دلیل بهره‌وری پایین زنان در بازار کار، تقاضا برای استخدام آنها توسط بنگاه‌ها پایین است. لذا در زمان رونق اقتصادی اشتغال زنان کاهش می‌یابد. متناسب با تاثیرپذیری متفاوت اشتغال زنان از ادوار تجاری می‌توان بیان داشت که، ادوار تجاری تاثیر نامتقارن بر اشتغال زنان دارد چرا که تاثیر رونق و رکود اقتصادی بر اشتغال زنان متفاوت است.

نظریه‌های اقتصادی از برقراری یک رابطه قوی بین بازار کار و ادوار تجاری سخن می‌گویند و عرضه و تقاضای نیروی کار از مهم‌ترین مسائل در طول ادوار تجاری هستند. انواع بیکاری نیز عکس‌العمل متفاوتی از خود در طول دوره‌ها نشان می‌دهند. در طول دوره رکود اقتصادی، بیکاری اصطلاحاً تمایل به کاهش دارد، چون مساله روانی ترس از ترک کردن کار و نیافتن شغل جدید روی نیروی کار تاثیر می‌گذارد. بنابراین بیکاری اصطلاحاً در دوره رکود، کمتر رخ می‌دهند. بیکاری ساختاری در دوره رکود اتفاق می‌افتد، اما به مراتب کمتر است، اما آنچه در طول دوره رکود به تشدید بیکاری می‌انجامد. بیکاری ادواری می‌باشد، در طول دوره رکود تقاضا برای محصولات و خدمات کاهش می‌یابد بنابراین تولید کمتری مورد نیاز است، به همین دلیل دیگر نیازی به ادامه فعالیت بسیاری از کارکنان وجود ندارد، و بیکاری افزایش می‌یابد و حتی نیروی کار جدیدی که استخدام می‌شوند نیز با حداقل دستمزد در بنگاه‌ها شروع به فعالیت می‌کنند و نیروی کار زن نیز با حداقل دستمزدی که قبول می‌کند، می‌تواند در بنگاه‌ها مشغول به کار شود، بنابراین در زمان رکود اشتغال زنان افزایش می‌یابد. همچنین می‌توان بیان داشت که بازار کار عمدتاً نیروی کار خود را در یک محیط رقابتی و بر مبنای بهره‌وری آنها که تا حد زیادی به آموزش و تحصیلات آنها بستگی دارد، گزینش می‌کند. عوامل کلیشه‌ای همواره زنان را از افزایش بهره‌وری و تحصیلات بازداشته است. یکی از مهم‌ترین این عوامل کلیشه‌ای تفکیک جنسیت و تعریف وظایف نامرتبط در خانواده است که مانع ارتقای بهره‌وری زنان می‌شود. ترکیبات آموزشی در نیروی کار نیز تفاوت بین سطح مهارت مردان و زنان ایجاد می‌کند. بنابراین متناسب با سطح تحصیلات و بهره‌وری نیروی کار، تاثیرپذیری اشتغال زنان از ادوار تجاری در زمان رونق اقتصادی منفی است و منجر به کاهش اشتغال زنان می‌شود. یکی از فروض اقتصاددانان کلاسیک این است که در شرایط رقابتی، به کارگران دستمزدی معادل ارزش نهایی محصول پرداخت می‌شود. بر مبنای این فرض، تفاوت درآمد

مردان و زنان یا به دلیل بهره‌وری پایین‌تر زنان یا ناشی از نارسایی‌های بازار است. بنابر نظریه نئوکلاسیک، زن‌ها به علت سرمایه انسانی کمتر همانند آموزش و پرورش، درآمد کمتری نسبت به مردان داشته و به همین دلیل بهره‌وری کاری پایین‌تری دارند (سارکار و همکاران^۱، 2019). حاملگی و رسیدگی به فرزندان نیز باعث کاهش انگیزه کارفرمایان برای سرمایه‌گذاری در افزایش مهارت زنان می‌شود. دوره‌های کناره‌گیری زنان از بازار کار نیز باعث می‌شود به نسبت مردان تجربه شغلی کمتری داشته باشند و مهارتشان کم کم از بین برود. فرض اساسی دیگر در این نظریه این است که زنان و مردان در استفاده از فرصت‌های شغلی برابری دارند و بر مبنای یکسانی در بازار کار رقابت می‌کنند. لذا همه این عوامل باعث می‌شود که بر بهره‌وری زنان تاثیر بگذارد و کارفرمایان درصدد استفاده کمتر نیروی کار از جنس مونث باشند، به طوری که در زمان رونق اقتصادی این موضوع محقق می‌شود و تقاضا برای نیروی کار با بهره‌وری بالا وجود خواهد داشت و بدین ترتیب منجر به کاهش اشتغال زنان می‌گردد. همچنین این تحلیل را می‌توان برای دوران اوج نیز مورد توجه قرار داد که با شدت بیشتری اتفاق می‌افتد (آلبانسی و ساهین^۲، 2013؛ پیرو و همکاران^۳، 2012).

یکی از مهمترین تفاوت‌هایی که بین زنان و مردان در بازار کار مشاهده می‌شود تفاوت در دستمزد است. تفاوت جنسیتی دستمزد و اشتغال یکی از مباحث مورد توجه اقتصاددانان و سیاست‌گذاران در طی سال‌های اخیر بوده است. وجود تبعیض دستمزد به عنوان یکی از عوامل ناکارایی در بازار مطرح است به این معنی که وجود تبعیض باعث می‌شود منابع محدود سرمایه انسانی به صورت بهینه تخصیص پیدا نکند. پدیده شکاف جنسیتی دستمزد، زمانی در بازار کار ظاهر می‌شود که نیروی کار زن و مرد، با بهره‌وری نهایی یکسان، دستمزد متفاوتی دریافت کنند. بهره‌وری نیروی کار به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی رشد اقتصادی مطرح است که عدم استفاده از نیروی کار زنان تحصیل کرده در شغل‌های مدیریتی و تخصصی ممکن است باعث شود ناکارایی حاصل از تبعیض در بازار کار تأثیر منفی بر رشد اقتصادی بگذارد. در حقیقت دستمزد به عنوان یکی از مهم‌ترین اقلام موثر بر بازار کار است و می‌تواند بر تصمیم‌گیری افراد و بنگاه‌ها در عرضه و تقاضای

¹ Sarkar et al.

² Albanesi & Shahin

³ Peiro et al.

نیروی کار موثر باشد. در صورتی که دولت یا اتحادیه‌های کارگری در تعیین دستمزد دخالت نکنند، تغییرات دستمزد، بازار کار را تسویه کرده و دستمزد و اشتغال تعادلی را بدست می‌آورد و در چنین وضعیتی بیکاری وجود ندارد.

شایان ذکر است، هر یک از مکاتب اقتصادی منشأ ظهور ادوار تجاری را متفاوت بیان نموده‌اند که سازوکار تاثیرگذاری آن بر اشتغال متفاوت است. در ادامه سازوکار اثرگذاری هر یک از مکاتب و منشأ ظهور ادوار تجاری بر اشتغال زنان بیان می‌گردد:

جدول (1): ادوار تجاری از منظر مکاتب اقتصادی و تاثیر آن بر اشتغال

نظریه کینزی	<p>ویژگی‌ها: تأکید بر اقتصاد کلان و تعیین جهت به وسیله تقاضا، وجود بی‌ثباتی در اقتصاد ادوار تجاری کینزی، چسبندگی قیمت و دستمزد، سیاست پولی و مالی فعال، اهمیت داشتن پول در سیستم کینزی</p> <p>تاثیر آن بر اشتغال: اقتصاد کینزی خواهان مداخلات دولت در اقتصاد است، تا در طول دوره رکود، اشتغال را افزایش دهد. به دلیل اعتقاد کینزی‌ها به چسبندگی دستمزد، می‌توان برداشت نمود که در زمان رکود اشتغال کاهش می‌یابد و این کاهش می‌تواند بیشتر از مقدار طبیعی باشد چرا که در زمان رکود توهم پولی، چسبندگی قیمت‌ها و دستمزد منجر به بیکاری غیرارادی می‌شود.</p>
نظریه کلاسیک	<p>ویژگی‌ها: حداقل دخالت دولت، رفتار اقتصاد مبتنی بر حداکثر کردن منافع شخصی، هماهنگی بین منافع شخصی و اجتماعی و اهمیت داشتن تمام منابع و فعالیت‌های اقتصادی</p> <p>تاثیر آن بر اشتغال: به پشتوانه مکتب کلاسیکی، در خصوص اشتغال می‌توان برداشت نمود که در زمان رکود به دلیل عدم چسبندگی دستمزدها اشتغال و بیکاری کمتر از نظریه کینزی است چرا که نیروی کار می‌تواند در صورت رکود دستمزدی کمتر از دستمزد تعدیل شده بازار درخواست نماید و این خود باعث می‌شود فرصت‌های شغلی برای زنان نسبت به نظریه کینزی بیشتر باشد.</p>
نظریه نئوکلاسیک	<p>ویژگی‌ها: اصل نهایی یا حدی، تأکید بر اقتصاد خرد، تأکید بر شرط رقابت کامل، نظریه قیمت نشات گرفته از تقاضا، تأکید بر مطلوبیت ذهنی، حداقل دخالت دولت و رفتار اقتصادی عقلایی</p> <p>تاثیر آن بر اشتغال: در نظریه نئوکلاسیک، دلایل محدودیت فرصت‌های اشتغال زنان، به متغیرهایی نظیر مسئولیت‌های خانوادگی، نیروی جسمانی، آموزش عمومی، آموزش فنی، ساعات کار، غیبت از کار و جابه‌جایی در کار بستگی دارد که بر میزان بهره‌وری و عرضه کار آنان تاثیر می‌گذارد. لذا متناسب با موارد ذکر شده، بهره‌وری نیروی کار زنان نسبت به مردان پایین‌تر است و اگر اقتصاد با رکود مواجهه شود، بنگاه‌ها در صدد استخدام نیروی کاری هستند که از بهره‌وری بالایی برخوردار است.</p>

نظریه پول کلان	<p>ویژگی‌ها: نظریه مقداری و تغییرات در درآمد پولی، ورود انتظارات به تحلیل منحنی فیلیپس و نگرش پولی به نظریه تراز پرداخت‌ها و تعیین نرخ ارز</p> <p>تأثیر آن بر اشتغال: پولیون بر این معتقدند که اتخاذ سیاست‌های پولی، اقتصاد را با سیکل مواجهه می‌نماید، بدین صورت که تولید ناخالص داخلی حقیقی و اشتغال در طول زمان افزایش و یا کاهش می‌یابد. پولیون بر این باورند که تا وقتی رشد پول ثابت باشد، اقتصاد ذاتا باثبات است و تعادل به خودی خود برقرار خواهد شد و می‌توان برداشت نمود که به تبع از سیکل‌های ایجاد شده، اشتغال نیز متاثر می‌شود.</p>
نظریه کلاسیک جدید	<p>ویژگی‌ها: فرضیه انتظارات عقلایی، تسویه مداوم بازارها و فرضیه عرضه کل شوک‌ها و تنش‌های غیرقابل پیش‌بینی در تقاضای کل باعث ایجاد نوسانات تجاری می‌شوند. یک افزایش غیرقابل پیش‌بینی در تقاضای کل، باعث کاهش دستمزد حقیقی شده و قیمت‌های پولی بسیار آرام‌تر از سطح قیمت‌ها تعدیل خواهند شد، لذا می‌توان برداشت نمود که نیروی کار با توهم مواجهه است و فکر می‌کند که افزایش دستمزد حقیقی رخ داده، به همین دلیل عرضه نیروی کار افزایش و به تبع از آن اشتغال افزایش می‌یابد اما در گذر زمان نیروی کار متوجه افزایش دستمزد اسمی شده (نه دستمزد حقیقی) و عرضه نیروی کار را کاهش می‌دهد.</p>
نظریه سیکل‌های تجاری واقعی	<p>ویژگی‌ها: شوک‌های عرضه و طبق این نظریه شوک‌ها می‌توانند شوک‌های سلیقه‌ای (تغییر ارجحیت‌های مصرف‌کننده) شوک‌های قیمتی (مانند نوسان قیمت نفت) یا شوک‌های بهره‌وری باشند.</p> <p>تأثیر آن بر اشتغال: در این نظریه نوسانات ایجاد شده در نرخ رشد نیروی کار که به علت توسعه و پیشرفت فناوری بوجود می‌آید باعث پیدایش سیکل تجاری می‌شود و تغییرات سریع در فناوری منجر می‌شود، روش‌های قدیمی تولید و بسیاری از منابع مانند سرمایه انسانی بدون استفاده باقی بمانند. لذا نیروی کار تا زمانی که با فناوری جدید خود را وفق ندهند، از بیکاری رنج می‌برند. بنابراین این موضوع می‌تواند در هنگام شروع یک تغییر فناورانه باعث پیدایش رکود گردد و این رکود اشتغال را در بخش‌های مختلف اقتصادی تحت تأثیر قرار دهد اما اگر تغییر فناورانه ادامه یابد، شغل‌های جدیدی در فضای فناورانه جدید نیز بوجود می‌آید که تولیدات را افزایش داده و اقتصاد را وارد مرحله رونق می‌نماید.</p>
نظریه بیهوشی	<p>ویژگی‌ها: انتظارات عقلایی با چسبندگی دستمزدها و قیمت‌ها، توجه به رقابت ناقص با تمرکز بر قیمت، تئوری شکست بازار، توجیه خرد برخی مسائل کلان، توجیحات اقتصادی بر اساس عرضه و تقاضا و چسبندگی اسمی و حقیقی</p>

تاثیر آن بر اشتغال: طبق الگو کینزی‌های جدید وقتی که تغییرات در تقاضای کل غیرقابل پیش‌بینی باشد. نتیجه شبیه الگو کلاسیک‌های جدید خواهد بود. ولی به دلیل وجود محدودیت زمانی در قراردادهای منابع، کینزی‌های جدید همچنین بر این اعتقادند که تغییرات در تقاضای کل می‌تواند موجب پیدایش سیکل در اشتغال و تولید ناخالص ملی حقیقی شود.

منبع: یافته‌های پژوهش

* لازم به ذکر است که در مکاتب مختلف مذکور اشتغال زنان تحت تاثیر قرار می‌گیرد.

رابوستاو و بیوچلی^۱ (2021) به بررسی تاثیر زایمان بر پویایی اشتغال زنان در کشور در حال توسعه طی دوره 2015-1996 می‌پردازند. نتایج نشان می‌دهد، دستمزد ماهانه در سال 19 درصد پس از زایمان کاهش می‌یابد و این افت همچنان ادامه دارد و پس از 10 سال به 36 درصد می‌رسد.

مک‌کلوی^۲ (2021) به بررسی اشتغال زنان و تامین نیروی کار در هند می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد در شرایطی که اشتغال زنان کم است، زنان جایگاه کمی در بازار نیروی کار دارند و به دلیل وجود کارهای خانه اشتغال زنان ناپایدار است.

آلون و همکاران^۳ (2020) به بررسی رکود اقتصادی بر اشتغال زنان در ایالات متحده آمریکا طی دوره 2014-1962 می‌پردازند. نتایج نشان می‌دهد، در رکودهای اقتصادی اخیر ایالات متحده آمریکا تلفات شغلی مردان نسبت به زنان بیشتر دیده می‌شود اما در رکود اقتصادی ناشی از کوید-19 عکس این صادق است و بیکاری در میان زنان بیشتر است.

مک‌کلوی^۴ (2020) به بررسی اشتغال زنان در هند می‌پردازد، نتایج نشان می‌دهد، نرخ مشارکت زنان کارگر زن هند در پایین‌ترین سطح در جهان است. تحقیقات نشان می‌دهد بسیاری از زنان در هند می‌خواهند کار کنند، مخالفت شوهران با کار آنها یک محدودیت اساسی است.

کلیتگر و وبر^۵ (2020) به بررسی رابطه بین تولید و اشتغال آلمان طی دوره 2018-1971 می‌پردازند، نتایج نشان می‌دهد، در طول رکود بزرگ، بهروری به شدت کاهش

¹ Rabosto & Bucheli

² McKelway

³ Alon et al.

⁴ McKelway

⁵ Klinger & Weber

می‌یابد و منجر به کاهش اشتغال می‌شود. با وجود رشد ناخالص داخلی متوسط نیز اشتغال همچنان رو به افزایش است.

سنهبروچ و همکاران^۱ (2020) کیفیت اشتغال کشورهای در حال توسعه آمریکای لاتین را در سال 2015 از منظر چند بعدی و عمومی اندازه‌گیری می‌نماید، نتایج نشان می‌دهد، کیفیت اشتغال می‌تواند با استفاده از یک روش چند بعدی اندازه‌گیری شود که سیاست-گذاران را در مورد وضعیت بازارهای کار خود آگاه سازد.

کاسیاتوریا و همکاران^۲ (2019) به بررسی ساعت کار و اشتغال در طول ادوار تجاری آمریکا با داده‌های فصلی طی دوره زمانی 1965 تا 2007 می‌پردازند، نتایج نشان می‌دهد، ساعت کار هر کارگر تاثیر قابل توجه بر اشتغال دارد و می‌تواند منجر به نوسانات اشتغال گردد که در زمان رکود اقتصادی و بهبودی ایالات متحده آمریکا پس از جنگ این نوسانات مشاهده می‌شود.

کانتو و همکاران^۳ (2019) به بررسی رابطه عدم اطمینان خانوارها و شرایط زندگی جوانان (با توجه به ادوار تجاری) اسپانیا طی دوره زمانی 2005 تا 2017 می‌پردازند، نتایج نشان می‌دهد، مشکلات اقتصادی به وجود آمده در شرایط رکود، زندگی افراد جوان را تحت تاثیر قرار می‌دهد و ممکن است منجر به تاخیر افتادن فرزندآوری شود.

خودجا و پلات^۴ (2018) ورود به بازار کار و ورود زنان به کشورهای با مناطق مختلف انگلیس را در سال 2009 مورد بررسی قرار می‌دهند، نتایج حاکی است، میزان مشارکت زنان در بازار کار از نظر منشأ قومی تفاوت زیادی دارد که این اختلافات را می‌توان به تفاوت‌های ترکیبی در سرمایه انسانی، شرایط خانواده و نگرش جنسیتی نسبت داد.

شکوهی‌فرد و همکاران^۵ (۱۳۹۹) به بررسی تاثیر فساد بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان در بازار کار ایران و کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی منطقه در بازه زمانی 2005-2018 و با استفاده از سیستم معادلات همزمان پرداخته است. نتایج برآورد الگو نشان می‌دهند که اولاً رابطه علی دوطرفه بین نرخ مشارکت نیروی کار زنان و متغیر فساد

¹ Sehnbruch et al.

² Cacciatore et al.

³ Cant'o et al.

⁴ Khoudja & Platt

⁵ Shokouhifard et al. (2020)

وجود دارد. ثانیاً بالا بودن سطح فساد و نرخ بیکاری تاثیر منفی بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان در ایران و کشورهای منتخب دارد.

برخورداری و فروغی فر^۱ (1398) به بررسی آثار شوک‌های پولی در چارچوب مکانیسم انتقال پولی غیرسیستماتیک بر اشتغال استان‌های مختلف کشور پرداختند. جهت دستیابی به این هدف، آثار شوک‌های پولی برای 30 استان کشور در قالب مدل TVP-FAVAR با استفاده از ضرایب متغیر در زمان برای داده‌های فصلی 1384:1-1394:4 مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که تفاوت‌های مشخصی بین پاسخ اشتغال استان‌های مختلف به شوک‌های پولی وجود دارد. همچنین پاسخ مربوط به هر استان در زمان‌های مختلف، متفاوت بوده و شرایط اقتصادی منطقه نقش مهمی در واکنش هر استان به شوک‌های پولی دارد. نتایج این مطالعه شواهدی برای نامتقارن بودن اثرات سیاست پولی در مناطق مختلف ارائه می‌کند. بنابراین پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی در تصمیم‌گیری‌های سیاستی و اقتصادی، تفاوت‌های منطقه‌ای را در نظر داشته باشد.

شاه‌آبادی و همکاران^۲ (1398) به بررسی تاثیر ریسک اقتصادی بر کارآفرینی زنان در کشورهای منتخب جهان طی دوره 2008-2015 می‌پردازند، نتایج نشان می‌دهد، کاهش ریسک اقتصادی تاثیر مثبت و معناداری بر کارآفرینی زنان دارد. همچنین متغیرهای توسعه مالی، سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تاثیر مثبت و معنا-دار بر کارآفرینی زنان دارند.

نادری‌پور و همکاران^۳ (1396) به بررسی تاثیر ادوار تجاری واقعی بر تولید، اشتغال و سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی ایران طی دوره 1361-1391 پرداخته‌اند و نتایج برآورد الگو با استفاده از روش حداقل مربعات سه مرحله‌ای بیانگر آن است، ادوار تجاری بر ارزش افزوده بخش کشاورزی اثر مثبت و بر اشتغال و سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی اثر منفی دارد.

محمودی^۴ (1394) به بررسی تاثیر پارامترهای کلان اقتصادی بر اشتغال جوانان در دوره زمانی 1357-1392 ایران می‌پردازد، نتایج نشان داد، فرضیه تحقیق مبنی بر مثبت و

¹ Barkhordari & Froughifar (2019)

² Shahabadi et al. (2019)

³ Naderipoor et al. (2017)

⁴ Mahmoudi (2015)

معنادار بودن تاثیر جهانی شدن و نرخ ارز بر اشتغال و نیز منفی و معنادار بودن تاثیر نرخ تورم بر اشتغال جوانان در ایران پذیرفته شده است.

مهرگان و همکاران¹ (۱۳۹۰) به بررسی تحولات اشتغال زنان در ایران با استفاده از تحلیل انتقال سهم طی دو دوره ۱۹۸۵-۱۹۹۵ و ۱۹۹۵-۲۰۰۵ پرداختند. نتایج نشان می‌دهد، با گذشت زمان ساختار نیروی کار زنان در ایران تغییرات اساسی داشته است، به طوری که طی دو دهه مورد بررسی سهم زنان در نیروی کار از رقم ۳/۱۹ درصد در سال ۱۹۸۵ به رقم ۸/۳۳ درصد در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است.

مهرگان و همکاران (۱۳۹۰) با استفاده از روش خود توضیحی با وقفه‌های گسترده (ARDL)^۲ و خودرگرسیون برداری (VAR)^۳ به بررسی رابطه بین افزایش قیمت حامل‌های انرژی و بیکاری در بخش صنعت ایران طی دوره زمانی ۱۳۵۰-۱۳۸۷ می‌پردازند، نتایج دال بر وجود رابطه بلندمدت میان متغیرهای قیمت انرژی، قیمت فرآورده‌های نفتی، برق و گاز طبیعی با اشتغال می‌باشد. همچنین نتایج خود رگرسیونی برداری (VAR) نیز تاثیر شوک‌های قیمت انرژی را بر اشتغال بخش صنعت تایید می‌نماید.

شایان ذکر است اکثر مطالعاتی که تاکنون در زمینه اشتغال زنان صورت گرفته است به بررسی روند اشتغال زنان و عوامل موثر بر آن پرداخته است و تاکید بر تاثیر اشتغال بر رشد اقتصادی می‌باشد و رابطه آن با تولید سنجیده شده است. مطالعات نادری‌پور و همکاران (۱۳۹۶)، مهرگان و همکاران (۱۳۹۰) نیز بیانگر آن است که بررسی عوامل اثرگذار بر اشتغال زنان همچون رابطه ادوار تجاری کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین خلأ نپرداختن به عوامل اثرگذار بر اشتغال زنان به ویژه ادوار تجاری چه در داخل و چه در خارج از ایران مشاهده می‌شود. لذا با توجه به مطالعات صورت گرفته پیرامون موضوع ادوار تجاری و اشتغال زنان، این پژوهش در نظر دارد خلأ موجود در خصوص اشتغال زنان را پر نماید و به بررسی تأثیر نامتقارن ادوار تجاری بر اشتغال زنان بپردازد.

۳. روش تحقیق

شکل کلی الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) به شکل زیر است:

$$\emptyset(L.P)Y_t = \sum_{i=1}^k b_i(L.q_i)X_{it} - CW_t + u_t$$

¹ Mehregan et al. (2011)

² Autoregressive Distributed Lag

³ Vector Autoregressive

که در آن:

$$\begin{aligned} \emptyset(L, P) &= 1 - Q_1L - Q_2L^2 - \dots - Q_P L^P \\ b_i(L, q_i) &= b_{i0} + b_{i1}L + b_{i2}L^2 + \dots + \\ & b_{iq}L^q \quad i = 1, 2, \dots, k \end{aligned}$$

در معادله فوق، Y متغیر وابسته، L عملگر وقفه، W برداری از متغیرهای ثابت مثل عرض از مبدأ، متغیرهای مجازی، روند زمانی و یا متغیرهای برونزا با وقفه ثابت هستند. الگو ARDL برای بررسی روابط پیچیده بین متغیرها که در بازه‌های زمانی مختلف نوع ارتباط متغیر است، کاربرد ندارد. در این راستا شین و همکاران¹ (2014) الگوی ارائه کردند. آزمون NARDL ارائه شده توسط شین و همکاران (2014) قادر به تعیین هم‌جمعی غیرخطی و نامتقارن بین متغیرهاست. به علاوه این روش بین اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته تمایز قائل می‌شود. حتی اگر تمام این موارد را بتوان از طریق الگو VECM یا یک الگو انتقال ملایم آزمایش کرد، اما هنوز هم این الگوها از مسئله همگرایی، به دلیل ازدیاد تعداد متغیرها رنج می‌برند. علاوه بر این برخلاف دیگر الگوهای تصحیح خطا که درجه همبستگی سری‌های زمانی آنها یکسان است، الگو NARDL این محدودیت را برداشته و درجه‌های مختلفی از همبستگی را مجاز می‌داند (وان هوانگ و همکاران²، 2016). علاوه بر این، از طریق انتخاب طول وقفه مناسب برای متغیرها، به حل مسئله همبستگی چندگانه نیز کمک می‌کند (شین و همکاران، 2014). در این راستا الگوی تصحیح خطای نامتقارن به صورت زیر تصریح می‌شود:

$$\begin{aligned} \Delta EW_t &= \alpha_0 + \rho EW_{t-1} + \theta_1 FR_{t-1} + \theta_2^- BC_{t-1} + \theta_3^+ BC_{t-1} + \theta_4 MW_{t-1} + \\ & \theta_5 GE_{t-1} + \theta_6 INF_{t-1} + \sum_{i=0}^p \alpha_1^+ EW_{t-i} + \sum_{i=0}^q \alpha_2^- BC_{t-1} + \\ & \sum_{i=0}^q \alpha_3^+ BC_{t-1} + \sum_{i=0}^q \alpha_4^+ FR_{t-i} + \sum_{i=0}^q \alpha_5^+ MW_{t-i} + \sum_{i=0}^q \alpha_6^+ GE_{t-i} + \\ & \sum_{i=0}^q \alpha_7^+ INF_{t-i} + \mu_t \end{aligned} \quad (1)$$

در معادله (1)، α_i به ازای $i=1, 2, \dots, 7$ برای ضرایب کوتاه‌مدت و θ_i برای ضرایب بلندمدت به کار می‌روند. یادآور می‌شود که تحلیل کوتاه‌مدت برای ارزیابی اثرات آنی تغییرات متغیر برونزا بر متغیر وابسته به کار می‌رود. در مقابل تحلیل بلندمدت برای اندازه‌گیری زمان واکنش و سرعت تعدیل به سمت سطح تعادلی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این مطالعه از آزمون والد برای بررسی عدم تقارن بلندمدت ($\theta = \theta^+ = \theta^-$) و کوتاه‌مدت ($\alpha = \alpha^+ = \alpha^-$) همه متغیرها استفاده شده است.

¹ Shin et al.

² Van Hoang et al.

متغیرهای الگو شامل: سهم اشتغال زنان¹ (EW)، ادوار تجاری² (BC)، نرخ باروری³ (FR)، حداقل دستمزد⁴ (MW)، هزینه‌های دولت در بخش آموزش⁵ (GE) و نرخ تورم⁶ (INF) است که در مطالعاتی رابوستاو و بیوچلی (2021)، مک کلوی (2021)، آلون و همکاران (2020)، مک کلوی (2020)، کلیتگر و وبر (2020)، خودجا و پلات (2018) و آلبانسی و ساهین (2017) از عوامل موثر بر اشتغال زنان ذکر شده‌اند. همچنین p و q نمایش- دهنده تعداد وقفه بهینه برای متغیر وابسته EW_t و متغیرهای مستقل $BC_t, FR_t, MW_t, GE_t, INF_t$ است که از طریق معیار آکایک (AIC)⁷ قابل تعیین است. متغیر ادوار تجاری (BC) به مجموع‌های جزئی مثبت و منفی برای افزایش و کاهش تجزیه خواهد شد. این تجزیه به صورت زیر است:

$$BC_t^+ = \sum_{j=1}^t \Delta BC_j^+ = \sum_{j=1}^t \max(\Delta BC_j, 0)$$

و

$$BC_t^- = \sum_{j=1}^t \Delta BC_j^- = \sum_{j=1}^t \max(\Delta BC_j, 0)$$

تخمین اثرات چندگانه پویای نامتقارن معادله زیر مورد استفاده قرار خواهد گرفت:

$$m_h^+ = \sum_{j=0}^h \frac{\partial EW_{t+j}}{\partial BC^+} \quad . \quad m_h^- = \sum_{j=0}^h \frac{\partial EW_{t+j}}{\partial BC^-}$$

این تکثیرکننده‌های پویا نشان دهنده واکنش نامتقارن متغیر وابسته به نوسان مثبت و منفی در متغیرهای مستقل است. براساس تکثیرکننده‌های تخمین زده شده، می‌توان مشاهده نمود که تعدیل‌های پویا از تعادل اولیه به سمت تعادل جدید بین متغیرهای سیستمی از نوسانی تبعیت می‌کند که بر سیستم اثرگذار است.

یک محدودیت مهم در روش ARCH در مورد متقارن بودن آن‌ها می‌باشد؛ بدین معنی که آنها ارزش مطلق تغییرات در پیش‌بینی نوسانات را در نظر می‌گیرند و علامت آنها را نادیده می‌گیرند و لذا اثرات شوک منفی و مثبت با بزرگی یکسان، بر روی نوسان سری به یک میزان در نظر گرفته می‌شود. در حالیکه نوسانات سری نسبت به شوک‌های مثبت و منفی واکنش یکسانی نشان نمی‌دهند؛ مثلاً در مورد اشتغال زنان شوک‌های منفی

¹ Employment of Women (Persons)

² Business Cycles

³ Fertility Rate, Total

⁴ Minimum Wage

⁵ Government Expenditure on Education

⁶ Inflation Rate

⁷ Akaike Information Criterion

غیرمنتظره نوسانات را بشدت تغییر می‌دهند در حالی که شوک‌های مثبت؛ نوسانات را به کندی تغییر می‌دهند. بدین ترتیب، برای رفع این مشکل و برای تحلیل رفتار نوسانات لازم است تا از یک مدل نامتقارن استفاده گردد. لازم به ذکر است تفکیک شوک‌های مثبت و منفی در موضوعاتی که مربوط به عوامل هر دو طرف بازارها هستند بیشتر ملموس می‌باشد و در ضمن یک شوک مثبت برای یک عامل، می‌تواند یک شوک منفی برای سایرین محسوب شود (وریک، 2005) که روش NARDL در مورد نامتقارن بودن، شوک‌های مثبت و منفی را به صورت مجزا و به خوبی نشان می‌دهد.

4. یافته‌های تحقیق

پیش از تخمین الگو، لازم است مرتبه مانایی متغیرها مورد ارزیابی قرار گیرد. نتایج آزمون مانایی در جدول (2) آورده شده است.

جدول (2): آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته (ADF)

متغیر	تعداد وقفه	در سطح				در تفاضل مرتبه اول			
		آماره ADF	مقادیر بحرانی			آماره ADF	مقادیر بحرانی		
			%1	%5	%10		%1	%5	%10
EW _{t-1}	1	-1/164	-2/611	1/947	1/612	-6/434	2/611	1/947	1/612
BC	1	-1/443	-2/614	1/947	1/612	-4/639	-3/77	-3/19	-2/89
FR	1	-2/863	-3/77	-3/19	-2/89	-6/538	-3/77	-3/19	-2/89
MW	1	-2/141	-3/762	3/183	2/884	-5/914	3/766	3/186	2/887
GE	1	-1/912	-3/762	3/183	2/884	-4/459	3/766	2/186	2/887
INF	1	-1/106	-2/615	1/947	1/612	-8/639	2/611	1/947	1/612

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل، بیانگر مانایی تمام متغیرها در تفاضل مرتبه اول است. در ادامه نتایج نشان دهنده مانایی تفاضل مرتبه اول کلیه متغیرهایی است که در سطح نامانا هستند. بنابراین، لازم است از وجود رابطه هم‌جمعی بین متغیرها اطمینان حاصل کرد؛ بدین منظور از

آزمون باند، پسران و همکاران¹ (2001) استفاده می‌شود. نتایج آزمون باند که در جدول (3) تحت عنوان F_{PSS} گزارش شده، بیانگر وجود رابطه همجمعی بین متغیرهای الگو هستند. شایان ذکر است، داده متغیرهای الگو از بانک مرکزی و مرکز آمار ایران استخراج شده است.

5. تخمین روابط NARDL

جدول (3) به تخمین روابط NARDL می‌پردازد. آماره R^2 با مقدار 0/888، نشان دهنده این است که متغیرهای مستقل الگو 888٪ از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. آماره دوربین واتسون با مقدار 1/92 بیانگر عدم خودهمبستگی الگو است، که بیانگر آن است که متغیرهای موجود در تابع تولید در حضور عدم خودهمبستگی می‌تواند تغییرات اشتغال زنان را توضیح دهند. همچنین آماره‌های x_{SC}^2 و x_{HET}^2 به ترتیب بیانگر عدم همبستگی سریالی و ناهمسانی واریانس در الگو هستند. علاوه بر این آماره x_{FF}^2 که بیانگر آزمون رمزی است نشان می‌دهد که شکل تابعی الگو تجربی به خوبی طراحی شده است. این نتایج قابلیت اطمینان و سازگاری الگو را نشان می‌دهند. آزمون‌های والد (W_{LR} و W_{SR}) نشان‌دهنده اهمیت عدم تقارن برای هر دو رابطه بلندمدت و کوتاه‌مدت است و بیانگر الزام در نظر گرفتن وجود رابطه غیرخطی و عدم تقارن بین متغیرهای الگو است. در این راستا با توجه به نتایج آزمون‌های والد (W_{SR} و W_{LR}) نتایج دو فرضیه تحقیق تأیید می‌شود:

- ادوار تجاری اثر معنادار و نامتقارنی بر سهم اشتغال زنان در بلندمدت دارد.
- ادوار تجاری اثر معنادار و نامتقارنی بر سهم اشتغال زنان در کوتاه‌مدت دارد.

جدول (3): نتایج برآورد الگو تاثیر نامتقارن ادوار تجاری بر سهم اشتغال زنان

رابطه بلندمدت			
Variable	Coefficient	t-Statistic	Prob.
BC_t^+	-40/934	15/327	0/0105
BC_t^-	38/726	13/369	0/005
FR	-1/927	0/733	0/017
MW	4/561	2/331	0/056
GE	9/731	10/423	0/355

¹ Pesaran et al.

INF	0/032	0/059	0/588
رابطه کوتاه‌مدت			
Variable	Coefficient	t-Statistic	Prob.
EC8(-1)	0/91	24/759	0/0000
D(BC ⁺ _t)	-3/666	-3/645	0/0007
D(BC ⁻ _t)	3/468	2/093	0/042
D(FR)	-0/172	-1/964	0/0044
D(MW)	0/408	2/628	0/011
D(GE)	0/871	0/759	0/451
D(INF)	0/002	0/662	0/51
آزمون‌های کنترل الگو			
R ²	0/841	Adj_R ²	0/82
D-W Test	1/96	χ^2_{SC}	(0/001) 6/57
χ^2_{HET}	(0/086) 1/932	χ^2_{FF}	(0/582) 0/554
F _{PSS}	6/52 (0/000)		
آزمون تقارن در بلندمدت و کوتاه‌مدت			
W _{LR}	-3/67 (0/0006)	W _{SR}	-2/435 (0/018)

منبع: یافته‌های تحقیق

یادداشت: "+" و "-" تغییرات مثبت و منفی را به ترتیب نشان می‌دهند؛ L+ و L- به ترتیب ضرایب بلندمدت برآورد شده مرتبط با تغییرات مثبت و منفی است؛ χ^2_{SC} ، χ^2_{FF} و χ^2_{HET} آزمون LM را برای همبستگی سریالی، فرم تابعی و ناهمسانی واریانس را نشان می‌دهد؛ همچنین WLR و WSR نشان دهنده آزمون والد برای بررسی تقارن بلندمدت و کوتاه‌مدت برای متغیر سهم اشتغال زنان است؛ آماره FPSS آزمون باند، پسران، شین و اسمیت (2001) را نشان می‌دهد. عدد داخل پرانتز بیانگر آماره احتمال (Prob) آن است.

1-5- روابط بلندمدت

در روش غیرخطی حاضر، شوک مثبت و منفی متغیر مستقل مورد بررسی، بر متغیر وابسته مورد تخمین قرار خواهد گرفت. اگر اثر این شوک‌ها در هر دو حالت یکسان باشد، آنگاه شوک متقارن و الگو خطی است؛ اما اگر اثر ایجاد شده از شوک مثبت و منفی یکسان نباشد و تاثیر شوک‌های مثبت و منفی به ترتیب منجر به کاهش و افزایش سهم اشتغال زنان گردد، آنگاه شوک نامتقارن و در نتیجه الگو غیرخطی خواهد بود. همان‌طور که از جدول بالا مشخص است، شوک مثبت ادوار تجاری اثر منفی و معناداری بر سهم اشتغال زنان (با ضریب 40/934) در بلندمدت دارد، در مقابل شوک منفی سهم ادوار تجاری اثر

مثبت بر سهم اشتغال زنان (با ضریب 38/726) دارد، که نشان می‌دهد اثر ایجاد شده نامتقارن و در نتیجه الگو غیرخطی است. بنابراین می‌توان دریافت سهم اشتغال زنان در چهار مرحله ادوار تجاری تحت تاثیر قرار می‌گیرد و می‌تواند سبب ایجاد نوساناتی در اشتغال زنان شوند و از این رهگذر زنان با رخداد نوسانات ادوار تجاری در بسیاری از این بخش‌ها امنیت شغلی نخواهند داشت. از آنجا که رکود زمینه کاهش سهم اشتغال زنان را فراهم می‌آورد از نظر دیگر باعث می‌شود در زمان رکود سهم اشتغال آنان افزایش یابد چرا که اگر بنگاه‌ها حداقل دستمزد را اعلام نمایند، زنان با چنین دستمزدی حاضر به عرضه کار خواهند بود و به دریافت حداقل دستمزد راضی تر هستند اما همواره فرد متضرر در زمان رکود زنان خواهند بود چرا که متناسب با خدماتی که ارائه می‌دهند دستمزد و حقوق دریافت نمی‌دارند و از این منظر زنان امنیت شغلی را در کارشان احساس نمی‌نمایند (آلبانسی و شاهین¹، 2018)، لذا متناسب با شرایط حداقل دستمزد در زمان رکود زنان بیشتر حاضر به عرضه کار خواهند بود. همچنین این تحلیل را می‌توان برای دوران رونق نیز مورد توجه قرار داد، وقتی که اقتصاد در مرحله رونق قرار دارد، بنگاه‌ها بیشتر درصدد استخدام نیروی کار با بهره‌وری بالا باشند و اگر زنان تحصیل کرده در رده افراد با بهره‌وری بالا باشند می‌توانند نظر بنگاه‌های اقتصادی را در راستای استخدام آنها در شرایط رونق اقتصادی جلب نمایند و بدین طریق متناسب با بهره‌وری که دارند دستمزد دریافت نموده و نسبت استخدام زنان را افزایش دهند اما عوامل کلیشه‌ای همواره زنان را از افزایش بهره‌وری و تحصیلات بازداشته است.

یکی از مهم‌ترین این عوامل کلیشه‌ای تفکیک جنسیت و تعریف وظایف نامرتبب در خانواده است که مانع ارتقای بهره‌وری زنان می‌شود. بنابراین متناسب با بهره‌وری نیروی کار زن، تاثیرپذیری اشتغال زنان از ادوار تجاری در زمان رونق می‌تواند منفی باشد. همچنین در زمان بحران شرایط همانند دوران رکود می‌باشد اما ممکن است با شدت بیشتری اتفاق بیافتد که همچنین دیدگاهی نیز در مورد رونق و دوران اوج نیز صادق است که مطالعات آلبانسی و شاهین² (2013) و پیرو و همکاران (2012) حاکی از این نتایج است.

¹ Albanesi & Şahin

² Albanesi & Shahin

افزایش نرخ باروری اثر منفی و معناداری در بلندمدت بر سهم اشتغال زنان می‌گذارد؛ به طوری که با افزایش نرخ باروری، سهم اشتغال زنان (1/927) کاهش خواهد یافت. این گونه استدلال می‌شود که باروری باعث کاهش مشارکت زنان در نیروی کار و کاهش سهم اشتغال آن‌ها می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود که باروری باعث کاهش مشارکت زنان در فعالیت‌های خارج از منزل شود چرا که فرزندآوری فرصت مشارکت در بازار کار را از زنان می‌گیرد. به طوری که نتیجه برآورد این پژوهش مشابه نتایج به دست آمده از مطالعات بیلی^۱ (2004)، آریزا و همکاران^۲ (2003)، دل‌بونو^۳ (2002)، بروستر و رایندفوس^۴ (2000)، رایندفوس و همکاران^۵ (2000)، فطرس و همکاران^۶ (1396) و کلانتری، بیک‌محمدی و همکاران^۷ (1384) است.

همچنین در خصوص تاثیر حداقل دستمزد بر سهم اشتغال زنان می‌توان بیان داشت که در مدل رقابتی فرض بر این است که قانون حداقل دستمزد تمام کارگران را تحت پوشش قرار می‌دهد. از آنجا که بنگاه‌ها در زمان رکود اقتصادی نیروی کار با دستمزد پایین را استخدام می‌نمایند و متناسب با آن بهره‌وری کار نیز کاهش می‌یابد و نیروی کار زن نیز بیشتر این خصوصیات را دارا می‌باشد. بنابراین این شرایط منجر می‌شود که اعمال حداقل دستمزد تاثیر مثبت بر اشتغال زنان بگذارد و با افزایش حداقل دستمزد، عرضه نیروی کار زن افزایش می‌یابد. لموس^۸ (2006) نیز بیان داشت که قانون حداقل دستمزد نابرابر، می‌تواند به عنوان یک نوع ابزار سیاستی برای مقابله با فقر به کار رود، بدون این که مشاغل زیادی را از میان ببرد، لذا نتایج مطالعه لموس (2006) مشابه نتایج برآورد این پژوهش است.

نتایج تخمین در بلندمدت نیز نشان می‌دهد، افزایش هزینه‌های دولت در بخش آموزش و نرخ تورم تاثیر معناداری بر سهم اشتغال زنان ندارند، چرا که با افزایش هزینه‌های دولت در بخش آموزش، زنان تحصیل کرده و با بهره‌وری بالا آموزش داده می‌شوند، اما اکثر نیروی کار استخدام شده، متناسب با تخصص‌شان به کار گرفته نمی‌شوند، لذا این امر

¹ Bailey

² Ariza et al.

³ Del Bono

⁴ Brewster & Rindfuss

⁵ Rindfuss et al.

⁶ Fotros et al. (2017)

⁷ Kalantari et al. (2005)

⁸ Lemos

باعث می‌شود که هزینه‌های دولت که در بخش آموزش صرف شده است کاربرد آنچنانی نداشته باشد و تاثیر با اشتغال آنان نداشته باشد.

2-5- روابط کوتاهمدت

ضریب EC بیانگر جمله تصحیح خطاست که برای برقراری شرط همگرایی، باید معنادار، منفی و قدرمطلق آن کوچکتر از یک باشد. ضریب تصحیح خطا در این مطالعه برابر 0/089- است که بیانگر سرعت بالای تصحیح خطا از کوتاهمدت به بلندمدت است. به بیان دیگر در صورت بروز خطا در این دوره، الگو 89 درصد خطای خود را در دوره بعد تصحیح خواهد کرد.

نتایج این قسمت نشان داد که شوک مثبت ادوار تجاری اثر منفی و معناداری بر سهم اشتغال زنان (با ضریب 3/666) در کوتاهمدت دارد، در مقابل شوک منفی ادوار تجاری، اثر مثبت بر سهم اشتغال زنان (با ضریب 3/468) داشته و حاکی از این است که نتایج این تخمین با نتیجه به دست آمده از روابط بلندمدت یکسان است. بدین معنی که در بلندمدت رونق و رکود اقتصادی به ترتیب منجر به کاهش و افزایش سهم اشتغال زنان خواهد شد که در کوتاهمدت نیز همین رابطه برقرار است. چرا که اگر در کوتاهمدت چسبندگی دستمزدها وجود داشته باشد و با شوک منفی استخدام صورت گیرد، لذا در بلندمدت نیز این اثر پا برجاست. برای شوک مثبت نیز اگر شوک مانع استخدام نیروی کار زن شود اثر منفی آن نیز در بلندمدت دیده می‌شود. همچنین ناگفته نماند، قدرمطلق شوک منفی در بلندمدت روند افزایشی را پیشرو دارد و روند قدرمطلق شوک مثبت در بلندمدت نیز افزایشی است. افزایش نرخ باروری در کوتاهمدت نیز، باعث کاهش سهم اشتغال زنان می‌شود علاوه بر این نتایج نشان می‌دهد که در کوتاهمدت حداقل نرخ دستمزد اثر مثبت و معناداری بر سهم اشتغال زنان دارد. همچنین نتایج تخمین حاکی است که مقدار قدرمطلق متغیرهای نرخ باروری و حداقل دستمزد در بلندمدت روند افزایشی دارند. هزینه‌های دولت در بخش آموزش و نرخ تورم نیز اثر معناداری بر سهم اشتغال زنان در کوتاه مدت ندارد و در بلندمدت نیز این امر صادق است.

6- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یکی از مهم‌ترین معیارها جهت سنجش درجه توسعه‌یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتباری است که زنان در آن کشور دارا می‌باشند. برای تحقق توسعه اجتماعی، تسریع

فرایند توسعه اقتصادی و محقق شدن عدالت اجتماعی، چنانچه به زن به عنوان نیروی کار فعال و سازنده نگریسته شود، قطعاً تاثیر مثبتی بر روند توسعه و افزایش کمی و کیفی نیروی انسانی آن جامعه خواهد داشت. عوامل بسیاری می‌توانند بر ارتقای نرخ اشتغال زنان موثر باشد و یا اینکه اشتغال زنان را در معرض تهدید قرار دهد، که در این بین نقش ادوار تجاری حائز اهمیت فراوانی باشد. ادوار تجاری بر اشتغال زنان می‌تواند اثر نامتقارنی باشد و تاثیر شوک مثبت و منفی آن متفاوت برآورد شود. لذا در مطالعه حاضر با استفاده از روش NARDL به بررسی اثر نامتقارن ادوار تجاری بر سهم اشتغال زنان در اشتغال ایران طی دوره 1345-1397 پرداخته می‌شود. نتایج برآورد نشان می‌دهد، یک شوک مثبت یا منفی در ادوار تجاری، اثرات نامتقارنی بر سهم اشتغال زنان به جا می‌گذارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که اثرات کوتاه‌مدت یک شوک ادوار تجاری، با اثرات بلندمدت آن یکسان است؛ بدین معنی که در کوتاه‌مدت، شوک مثبت ادوار تجاری، اثر منفی و معناداری؛ و شوک منفی ادوار تجاری، اثر مثبت و معنادار بر سهم اشتغال زنان دارد و در بلندمدت نیز این اثر پابرجاست. همچنین ناگفته نماند، قدرمطلق شوک منفی ادوار تجاری در بلندمدت روند افزایشی را پیشرو دارد و روند قدرمطلق شوک مثبت ادوار تجاری در بلندمدت نیز افزایشی است. سایر نتایج تخمین نیز نشان می‌دهد که در کوتاه‌مدت و بلندمدت، متغیر نرخ باروری نیز اثر منفی و معناداری بر سهم اشتغال زنان می‌گذارد اما اثر معنادار متغیر هزینه‌های دولت در بخش آموزش و نرخ تورم بر سهم اشتغال زنان در کوتاه مدت و بلندمدت رد می‌شود. همچنین متغیرهای حداقل نرخ دستمزد نیز باعث افزایش معنادار سهم اشتغال زنان خواهد شد. بنابراین تعیین سیاست‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت و بررسی اثر آنها بر اشتغال زنان از اهمیت بالایی برخوردار است. با توجه به یافته‌های تحقیق پیشنهادهای زیر قابل ارائه است:

- سیاستگذاران در تصمیمات سطح کلان‌نشان در خصوص اشتغال زنان به بازه زمانی اجرای سیاست توجه داشته و با توجه به آن اقدام به سیاست‌گذاری نمایند.
- تعیین نرخ‌های چندگانه حداقل دستمزد در بخش‌های مختلف اقتصادی می‌تواند به عنوان راه حلی برای افزایش اثرات مثبت آن بر تحقق اهدافی چون توزیع عادلانه‌تر درآمد و بهبود وضعیت اقتصادی-اجتماعی کارگران باشد.
- اهتمام‌ورزی در راستای کاهش محدودیت‌های خانوادگی که منجر به کاهش مشارکت زنان در بازار کار می‌شود و در این راستا، تصویب حمایت‌ها و قوانینی

- که زنان پس از ازدواج محدودیتی در راستای کار کردن در بیرون از منزل و کاهش بهره‌وری نداشته باشند.
- ایجاد مراکز نگهداری از فرزندان افراد شاغل زن که تحت نظارت و حمایت محل کار آنان باشد.
 - ایجاد بسترهای مناسب برای ارتقا بهره‌وری زنان از طریق بهبود کیفیت آموزش و کاهش تبعیض در دسترسی زنان به فرصت‌های آموزشی و تحصیل در مقاطع بالاتر در جهت افزایش فعالیت آنها در بازار کار
 - کاهش دغدغه‌های ذهنی زنان در زمینه فرزندآوری و تربیت کودکان که منجر به کاهش مشارکت آنان در بازار کار می‌شود که در این راستا کارفرمایان می‌توانند با تولد فرزند، درآمد زنان شاغل را افزایش دهند و حتی وام به والدین آنها بدهند که بتواند هزینه‌های تولد فرزند را به بهترین نحو فراهم نمایند تا بسترهای مناسب در جهت کاهش این دغدغه و افزایش مشارکت زنان در بازار کار ایجاد شود.

تقدیر و تشکر

در پایان نویسندگان بر خود لازم می‌دانند که از حمایت‌های دانشگاه بوعلی سینا تشکر و قدردانی نمایند.

تضاد منافع

نویسندگان نبود تضاد منافع را اعلام می‌دارند.

فهرست منابع

1. برخوردار، سجاد و فروغی فر، محسن (1398). اثرات پویای منطقه‌ای سیاست پولی بر اشتغال در ایران (رهیافت TVP-FAVAR). *نظریه‌های کاربردی اقتصاد*، 6(4)، 136-109.
2. پژویان، جمشید و امینی، علیرضا (1380). آزمون تجربی قانون حداقل دستمزد بر اشتغال گروه‌های جمعیتی جوان در اقتصاد ایران. *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی*، 1(2)، 57-74.
3. رحمانی، تیمور (1389). *اقتصاد کلان*. جلد دوم، چاپ دوازدهم، انتشارات برادران.
4. شکوهی‌فرد، سیامک، آل عمران، رویا، مهرگان، نادر و رحیم زاده، فرزاد (1399). بررسی تاثیر فساد بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان: رویکرد سیستم معادلات همزمان. *اقتصاد مقداری*، 17(3).
5. شاه‌آبادی، ابوالفضل، جعفری، مهدی و داوری‌کیش، راضیه (1398). تاثیر ریسک اقتصادی بر کارآفرینی زنان در کشورهای منتخب جهان. *اقتصاد و تجارت نوین*، 14(1)، 61-82.
6. شاکری، عباس (1389). *اقتصاد کلان نظریه‌ها و سیاست‌ها*. جلد اول، چاپ دوم، انتشارات رافع.
7. کلانتری، صمد، بیک‌محمدی، حسن و زارع‌شاه‌آبادی، اکبر (1384). عوامل جمعیتی موثر بر باروری زنان یزد 1383. *فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، 3، 137-154.
8. فطرس، محمدحسن، نجمی، مریم و معمارزاده، عباس (1396). تحلیل ارتباط میان نرخ اشتغال زنان و میزان باروری. *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، 15(3)، 325-311.

9. محمودی، محمود (1394). بررسی تأثیر پارامترهای کلان اقتصادی بر اشتغال جوانان در ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مهندسی صنایع، دانشگاه صنعتی ارومیه.
10. مهرگان، نادر، حقانی و محمود و عبدالهی حقی، سالار (1390). افزایش قیمت حامل‌های انرژی و بیکاری در بخش صنعت. *اقتصاد کاربردی*، 2(4)، 79-103.
11. مهرگان، نادر، موسایی، میثم و رضایی، روح الله (۱۳۹۰). تحولات اشتغال زنان در ایران با استفاده از تحلیل انتقال سهم. *رفاه اجتماعی*، 11(40)، 93-105.
12. نادری پور، حمید، نبی‌نیا، صدیقه و جلایی‌اسفندیاری، سیدعبدالمجید (1396). بررسی تأثیر ادوار تجاری واقعی بر تولید، اشتغال و سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی ایران. *اقتصاد کلان*، 12(24)، 73-94.

1. Ashine, W. (2021). *The determinantes of womens employment and their labor force participation: the case of debretabor city*. West Amhara region, Ethiopia (doctoral dissertation).
2. Alon, T., Doepke, M., Olmstead-Rumsey, J., & Tertilt, M. (2020). *This time it's different: the role of women's employment in a pandemic recession* (No. w27660). National Bureau of Economic Research.
3. Albanesi, S. (2019). *Changing Business Cycles: The Role of Women's Employment* (No. w25655). National Bureau of Economic Research.
4. Ariza, A., De la Rica Goiricelaya, S., & Ugidos Olazabal, A. (2003). The effect of flexibility in working hours on fertility: A comparative analysis of selected European countries.
5. Albanesi, S., & Şahin, A. (2018). The gender unemployment gap. *Review of Economic Dynamics*, 30, 47-67.
6. Barkhordari, S., & Froughi far, M. (2020). The Dynamic Regional Effects of Monetary Policy on Employment in Iran (TVP-FAVAR Approach). *Applied theories of economics*, 6(4), 109-136 (In Persian).
7. Albanesi, S., & Sahin, A. (2013). The gender unemployment gap: Trend and cycle. *Staff Reports (613)*. New York: Federal Reserve Bank of New York.
8. Bailey*, R. (2005). Evaluating the relationship between physical education, sport and social inclusion. *Educational review*, 57(1), 71-90.

9. Brewster, K. L., & Rindfuss, R. R. (2000). Fertility and women's employment in industrialized nations. *Annual review of sociology*, 26(1), 271-296.
10. Banerjee, A., Dolado, J., & Mestre, R. (1998). Error-correction mechanism tests for cointegration in a single-equation framework. *Journal of time series analysis*, 19(3), 267-283.
11. Cacciatore, M., Fiori, G., & Traum, N. (2020). Hours and employment over the business cycle: A structural analysis. *Review of Economic Dynamics*, 35, 240-262.
12. Cantó, O., Cebrián, I., & Moreno, G. (2019). *Household precariousness and youth living arrangements in Spain: evidence for a complete business cycle* (No. 499).
13. Del Bono, E. (2002, June). Total fertility rates and female labor force participation in Great Britain and Italy: Estimation of a reduced form model using regional panel data. In *ESPE 2002 conference* (Vol. 1215).
14. Fotros, H. M., Najmi, M., & Memarzadeh, A. (2017). An analysis of the relationship between women's employment and fertility rate in Iran. *Women in Development and Politics*, 15(3), 311-325 (In Persian).
15. Querejeta Rabosto, M., & Bucheli, M. (2021). Motherhood penalties: the effect of childbirth on women's employment dynamics in a developing country. *Documento de Trabajo/FCS-Decon; 01/21*.
16. Kalantari, S., Beik Mohammadi, H., & Zare Shahabadi, A. (2005). Effective demographic factors on female fertility in Yazd 2004. *Women in Development and Politics*, 3, 137-154 (In Persian).
17. Khoudja, Y., & Platt, L. (2018). Labour market entries and exits of women from different origin countries in the UK. *Social science research*, 69, 1-18.
18. Klinger, S., & Weber, E. (2020). GDP-employment decoupling in Germany. *Structural Change and Economic Dynamics*, 52, 82-98.
19. McKelway, M. (2020). *Essays on the Empowerment and Employment of Women in India* (Doctoral dissertation, Massachusetts Institute of Technology).
20. Mincer, J. (1991). Education and unemployment.
21. Mammen, K., & Paxson, C. (2000). Women's work and economic development. *Journal of economic perspectives*, 14(4), 141-164.
22. Mahmoudi, M. (2015). Study of the effect of macroeconomic parameters on youth employment in Iran. M.Sc. Thesis, Faculty of Industrial Engineering, Urmia University of Technology (In Persian).
23. Mehregan, N., Mosaei, M., & Rezaei, R. (2011). Developments in women's employment in Iran using share transfer analysis. *Social Welfare*, 11(40), 105-93 (In Persian).

24. Mehregan, N., Haqqani, M., & Abdollah Haghi, S. (2011). Increasing the price of energy carriers and unemployment in the industrial sector. *Applied Economics*, 2(4), 79-103 (In Persian).
25. Naderipour, H., Nabiiyan, S., & Jalaie Esfandiari, S. A. (2017). Study of the effect of real business cycles on production, employment and investment in Iran's agricultural sector. *Macroeconomics*, 12(24), 94-73 (In Persian).
26. Pellegrini, E. (2019). Generation Jobless: Youth Unemployment and the Disparate cases of Germany and Spain.
27. Pajhwian, J., & Amini, A. (2001). Empirical test of the law of minimum wage on the employment of young population groups in the Iranian economy. *Quarterly Journal of Economic Research*, 1(2), 57- 74 (In Persian).
28. Paitakhti skooi, A., & Tabaghchi Akbari, L. (2016). Investigating the impact of sanctions on the employment status of women in Iran. *Quarterly Journal of Women and Family Studies*, 9(31), 7- 21 (In Persian).
29. Peiró, A., Belaide-Franch, J., & Gonzalo, M. T. (2012). Unemployment, cycle and gender. *Journal of Macroeconomics*, 34(4), 1167-1175.
30. Pesaran, M. H., Shin, Y., & Smith, R. J. (2001). Bounds testing approaches to the analysis of level relationships. *Journal of applied econometrics*, 16(3), 289-326.
31. Rizvi, S. Z. A., & Nishat, M. (2009). The impact of foreign direct investment on employment opportunities: Panel data analysis: Empirical evidence from Pakistan, India and China. *The Pakistan Development Review*, 841-851.
32. Rindfuss, R. R., Guzzo, K. B., & Morgan, S. P. (2003). The changing institutional context of low fertility. *Population Research and Policy Review*, 22(5), 411-438.
33. Rahmani, T. (2010). *Macroeconomics*. Volume 2, Twelfth Edition, Baradaran Publications (In Persian).
34. Romer, D. (2004). *Advanced macroeconomics*. Translated by Mehdi Taghavi, Volume 2, First Edition, Islamic Azad University Press, Science and Research Branch (In Persian).
35. Shimer, R. (1998). Why is the US unemployment rate so much lower?. *NBER macroeconomics annual*, 13, 11-61.
36. Sarkar, S., Sahoo, S., & Klasen, S. (2019). Employment transitions of women in India: A panel analysis. *World Development*, 115, 291-309.
37. Sehnbruch, K., González, P., Apablaza, M., Méndez, R., & Arriagada, V. (2020). The Quality of Employment (QoE) in nine Latin American countries: A multidimensional perspective. *World Development*, 127, 104738.

38. Shin, Y., Yu, B., & Greenwood-Nimmo, M. (2014). Modelling asymmetric cointegration and dynamic multipliers in a nonlinear ARDL framework. In *Festschrift in honor of Peter Schmidt* (pp. 281-314). Springer, New York, NY.
39. Shahabadi, A., Jafari, M., & Davarikhah, R. (2019). The effect of economic risk on women's entrepreneurship activity in selected countries of the world. *Journal of New Economy and Commerce*, 14(1), 61-82 (In Persian).
40. Shokouhifard, S., Aleemran, R., Mehrgan, N., & Rahimzadeh, F. (2020). The effect of corruption on female labor force participation rates: simultaneous equations system approach. *Quarterly Journal of Quantitative Economics*, 17(3) (In Persian).
41. Shakeri, A. (2010). *Macroeconomics of theories and policies*. Volume I, Second Edition, Rafi Publications (In Persian).
42. Van Hoang, T. H., Lahiani, A., & Heller, D. (2016). Is gold a hedge against inflation? New evidence from a nonlinear ARDL approach. *Economic Modelling*, 54, 54-66.
43. Yousafzai, A. H. (2014). Exploring the Causality and Co-integration Relationship between FDI, GDP and Employment: A Case of Czech Republic.

